



برگزاری انتخابات در ۳۱۰ شعبه خارج از کشور

حسن قشقاوی معاون کنسولی، پارلمانی و امور ایرانیان خارج از کشور اعلام کرد: تعداد شعب اخذ رای در خارج از کشور برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم به ۳۱۰ شعبه افزایش پیدا کرده است. وی همچنین افزود:بیشترین شعب اخذ رای که بالغ بر ۵۵ شعبه است برای ایالات متحده آمریکا در نظر گرفته شد تا ایرانیان مقیم این کشور بتوانند در انتخابات پیش رو شرکت کنند.

در گفت و گویی با عضو شورای راهبردی روابط خارجی بررسی شد

چشم انداز ائتلاف سعودی – صهیونیستی



اتحاد صهیونیستی – سعودی برای کشورهای منطقه عربی و غیر عربی چقدر اهمیت دارد؟

تمامی کشورهای عربی حامی این اتحاد نیستند و من خیلی موافق کلمه اعراب برای اتحاد با رژیم اسرائیل نیستم؛ بلکه معتقدم تنها برخی دولت‌ها و در رأس آن‌ها رژیم سعودی به این اتحاد تن داده‌اند، اما آنچه اهمیت دارد اینکه برخی کشورهای غیر عربی در منطقه خاورمیانه از این تئوری حمایت می‌کنند و علاقه‌مند هستند. این خط شوم تقویت شود. در واقع آن‌ها خواهان همگرایی بیشتر و حتی تشکیل یک مثلث در منطقه هستند تا بتوانند جریان‌های بیداری و مردمی را مهار کنند.

آینده همکاری‌های عربستان و رژیم صهیونیستی را در حوزه‌های مختلف از جمله در بین چطور ارزیابی می‌کنید و چه پیامدهایی ممکن است به دنبال داشته باشد؟

گزارش القدس العربی در مورد روابط اعراب و آمریکا

آمریکا سیاستش را تغییر نداده است، پس چرا باید به آن نزدیک شویم؟

مخالفت با آمریکا به خوبی نمایان شد. اعلام تشکیل «ائتلاف» با هدف «آزماسی کوبت» از دست نیروهای عراقی، موجب موضع گیری بی سابقه مردمی در مخالفت مطلق با این اقدام شد. تظاهرات و اعتراضاتی در اکثر کشورهای عربی (و اسلامی)، از مغرب تا پاکستان برپا شد و حتی نظام‌هایی که طرفدار غرب شناخته می‌شدند، زیر فشار مردمی مجبور شدند خود را از جنگی که علیه عراق در حال برنامه ریزی شدن دور نگه دارند. اردن به رهبری ملک حسین و یمن به ریاست علی عبدالله صالح و سازمان آزادیبخش فلسطین به ریاست یاسر عرفات، و همچنین الجزایر، به این مداخله خارجی اعتراض کردند. به رغم وجود امپراتوری رسانه‌ای گسترده که از این مداخله حمایت می‌کرد، ولی امت عربی در برابر این رسانه‌ها مصونیت داشت. با وجود آن که طرف‌های بسیاری با سیاست‌های صدام حسین رئیس‌جمهور وقت عراق مخالف بودند ولی بحران آن زمان، او را به عنوان رهبری که نماد موضع ملت‌های عربی مخالف مداخله آمریکا است، نشان داد.

واقعیت دوم این است که مداخله انگلیسی-آمریکایی در کوبت نقطه آغاز دوره ای بود که قطب بندی‌ها ویژگی آن بود. در اینجا بود که «افغان‌های عرب» نقشی محوری در شکل گیری تحولات آن دوره ایفا کردند که ده سال ادامه یافت؛ از لشکر کشی نخست آمریکا و انگلیس علیه عراق تا حوادث ۱۱ سپتامبر که با مداخله مجدد این ائتلاف در منطقه به منظور سرنگون کردن رژیم صدام حسین در سال ۲۰۰۳ پیوند خورد، این یک دهه، عمر واقعی سازمان «القاعده» بود که غرب به رهبری آمریکا را هدف قرار داد. این حمله القاعده، واکنشی تند به جنگ بی سابقه‌ای بود که نیروهای عراقی را در کوبت هدف قرار داد و کشتار «مطلاح» یکی از وحشیانه ترین فصول آن بود. بحث و بررسی درباره دو گانه القاعده- آمریکا و درباره تشکیل سازمان القاعده و شکل گیری دکترین سیاسی آن و علت هدف قرار دادن آمریکا و این که کدام طرف آغازگر جنگ بود، ادامه خواهد یافت. شاید اگر آمریکایی‌ها و متحدان منطقه‌ای آنان، دولت برهان الدین ربانی رئیس‌جمهور افغانستان در سال ۱۹۹۲ را برای بیرون راندن «افغان‌های عرب» از افغانستان زیر فشار نمی‌گذاشتند، اوضاع به شکلی دیگر پیش می‌رفت. نتیجه چنین اقدامی، سقوط حکومت ربانی و تشکیل گروه طالبان و تبدیل شدن افغانستان به پایگاهی برای فعالیت سازمان «القاعده» بود که اساسا آمریکا را هدف قرار می‌داد و کاری به اختلافات مذهبی در داخل بیکره جهان اسلام نداشت. مدارکی که آمریکایی‌ها بعد از کشتن اسامه بن لادن سر کرده القاعده در سال ۲۰۱۱ به دست آوردند و همچنین نامه‌هایی که به لادن با زرقاوی و دیگر نمایندگان منطقه ای القاعده رد و بدل کرد، این مسئله را اثبات کرده است.

واقعیت سوم این است که حوادث تروریستی سپتامبر که به سازمان «القاعده» نسبت داده شد نقطه عطف مهمی نه فقط برای سازمان «القاعده» بلکه برای جهان عرب و جهان اسلام بود. ائتلاف انگلیسی-آمریکایی-اسرائیلی به همراه برخی طرف‌های عربی، برای نابود کردن سازمان «القاعده» تصمیم قطعی گرفت و به این منظور از شیوه‌های مختلفی استفاده شد: نخست، استفاده گسترده از نیروی نظامی که با وحشیگری بی سابقه‌ای کوه‌های تورا بورا را با بمب و موشک هدف قرار داد و به این ترتیب ارتباط سران القاعده را با تشکیلات سازمانی آن به طور کامل قطع کرد. همچنین اعضای این سازمان تا به امروز هدف حملات مستمر بوده‌اند. دوم، مداخله مستقیم برای تغییر ساختار القاعده به گونه‌ای که غرب یا متحدان آن را هدف قرار ندهد. در اینجا از دین به عنوان سلاحی علیه القاعده استفاده شد و دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای ذیربط برای تغییر رویکرد القاعده به سمت داخل کشورهای عربی

حسن دانایی فر، سفیر پیشین ایران در عراق در گفت و گویی با سایت شورای راهبردی روابط خارجی در خصوص اتحاد رژیم صهیونیستی با عربستان در مسایل منطقه ای و تاثیر آن بر روند منطقه ای معتقد است: این اتحاد به دلیل ضعف استراتژی، قدرت مدیریت، قدرت سازمان‌دهی و قدرت مردمی، قادر به تحقق خواسته‌های خود نیست. آنچه در ادامه می‌خوانید متن کامل این گفتگوست.

راهبرد رژیم صهیونیستی برای نزدیکی به حکام عرب تا چه حد اجرایی شده است؟

راهبرد رژیم صهیونیستی برای نزدیکی به حکام عرب همان تئوری قدیمی دو پایهای است که آمریکایی‌ها در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی در منطقه خاورمیانه و به‌خصوص حوزه خلیج فارس طراحی کرده بودند. در آن زمان رژیم سعودی و رژیم شاه در ایران، دو پایه این تئوری را تشکیل می‌دادند و هدف از این طرح نیز مقابله بانفوذ کمونیسم و مهار آن بود. امروز نیز همان تئوری قدیمی بازنگ و لعاب دیگری مجددا مطرح‌شده است و در این تئوری رژیم سعودی در کنار رژیم اسرائیل قرار دارد. هدف از این طرح نیز مهار مقاومت اسلامی در منطقه است. رژیم اسرائیل بعد از شکست در جنگ ۳۳ روزه برای نخستین بار طعم تلخ شکست نظامی را چشید و نتوانست هدف‌گذاری‌هایی را که کرده بود محقق کند. لذا این رژیم زمین‌گیر شد و از آن پس همگرایی‌های بیشتری میان اسرائیل و رژیم سعودی ظهور و بروز یافت.

در حال حاضر این دو پایه عامل اصلی جنگ‌های نیابتی در منطقه هستند و تلاش دارند خرد مقاومت و بیداری اسلامی را مورد هجوم قرار دهند و مهار کنند. بر اساس این تفکر مشاهده می‌کنیم که طی یک دهه گذشته سعودی‌ها حدود ۲۰۰ میلیارد دلار اسلحه و تجهیزات از آمریکا خریداری کردند. این میزان خرید، بسیار بزرگ و قابل تأمل و توجه است. در مقابل رژیم اسرائیل نیز هیچ محدودیتی برای مجهز شدن ندارند، لذا این دو رژیم در کنار هم وارد جنگ‌های نیابتی در منطقه شدند که ازجمله مهم‌ترین آن‌ها بحث مشارکت نظامی در یمن است. همچنین در سوریه نیز همکاری‌هایی داشته‌اند و علاقه‌مند بودند که لبنان را نیز به چالش بکشند و حزب‌الله را دچار ضعف کنند که البته تا امروز در رسیدن به این اهداف موفق نبوده‌اند؛ بااین حال، روزبه‌روز همگرایی و نزدیکی بیشتر سعودی‌ها با اسرائیلی‌ها افزایش می‌یابد.

ایران و جهان

www.ebtekarnews.com

پنجشنبه
۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۶
شماره ۳۷۱۰

یادداشت

نگاهی دوباره به برجام



محمد مزیاستاری

mrezasatiri62@gmail.com

به طور کلی رهیافت‌های کلان روابط بین الملل در خصوص ساختار جهانی به بخش عمده تقسیم‌بندی می‌شوند. رهیافت نخست، واقع‌گرایی (ریالیسم) نام دارد که بیشتر بر مبنای عمل‌گرایی قرار گرفته و معتقد است که دولت‌ها همچنان واحدهای اصلی تشکیل دهنده روابط بین الملل محسوب شده و محیط جهانی وضعیتی هرج و مرج گونه دارد. این دیدگاه البته به قواعد و قوانین نظام بین المللی اشاره می‌کند اما تاکیدش بر این است که یک قانون مشخص و قدرت مرکزی در عرصه جهانی وجود ندارد و کنش‌های بین المللی مبتنی بر کسب بیشترین حد ممکن منافع ملی است. رهیافت دوم، دیدگاهی آرمان‌گرایی (لیبرالیستی) دارد و ترسیم و تصویر آن از جهان کاملاً متفاوت با دیدگاه نخست است. این رهیافت عمدتاً بر وابستگی متقابل تاکید دارد و معتقد است که این وابستگی متقابل ناشی از نیازهای متقابل بوده و منافع هم در سایه همکاری‌های متقابل با مرکزیت سازمان‌های بین المللی از قبیل سازمان ملل متحد تحقق پیدا می‌کند.

رهیافت سوم ساختارگرایی است که جامعه بین المللی را بر مبنای رقابت اقتصادی بین طبقات تقسیم‌بندی می‌کند. این رهیافت عمدتاً دیدگاهی مارکسیستی دارد و می‌گوید که دولت‌ها اگر به عنوان بازیگران عرصه بین المللی فعالیت می‌کنند، این فعالیت مستقل نبوده و بر پایه یک طبقه اقتصادی کنش‌گری می‌کند.

رهیافت چهارم به سازه‌انگاری مشهور است و معتقد است که جامعه بین الملل متشکل از واحدهای فرهنگی و هویتی است که بازیگران آنها را دولت‌ها و سازمان‌های از قبیل اتحادیه اروپا، سازمان کنفرانس اسلامی، شورای همکاری خلیج فارس و ... تشکیل می‌دهد.

با توجه به موارد ذکر شده، امروزه اکثر متفکران روابط بین الملل معتقدند که شواهد نظام جهانی و نحوه کنش بازیگران بین المللی حکایت از آن دارد که رهیافت واقع‌گرایی همچنان رهیافت غالب در عرصه روابط بین الملل است. دیدگاهی که معطوف به منافع ملی و کسب بیشترین مزیت‌ها بر پایه هر چیزی دولت‌هاست.

در چنین محیطی مذاکراتی همکاری‌های بین المللی از پیچیدگی‌ها و دشواری‌های خاص خود برخوردار است، به طوری که بازیگری سعی دارد با تکیه بر ابزارهای قدرت و نادیده گرفتن منافع طرف مقابل، بر بیشینه ساختن مطلوبیت‌های خود تاکید کند.

در همین رابطه است که می‌توان فضای مذاکرات هسته‌ای میان ایران و گروه ۵+۱ را بهتر درک کرده و مورد ارزیابی دقیق قرار داد. مذاکراتی که از سال ۹۲ در فضای فشارهای گسترده بین المللی بر روی ایران آغاز شد و پس از ۲۲ ماه ارزیابی فشرده توسط تیم جدید مذاکره کننده هسته‌ای ایران به ریاست محمدجواد ظریف، در تیر ماه ۹۴ در قالب برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به نتیجه رسید.

در این میان با توجه به فضای حیاتی ایران و طرفین مذاکره کننده می‌توان دستاوردهای برجام را مورد بررسی و تحلیل قرار داد. البته در این خصوص برخی آنچنان نسبت به دستاوردها اغراق کرده و برخی آنچنان بدبینانه آن را نقد کرده‌اند که اگر آنها را در چارچوب علمی قرار دهیم، غیر کارشناسی بودن آنها به وضوح ملموس و مشخص خواهد بود.

در این یادداشت سعی بر این است که از سه منظره که کمتر به آن پرداخته شده، دستاوردهای برجام را برای ایران مورد واکاوی قرار دهیم. ۱- اصولاً ده سال بوده که دیدگاهی نسبت به ایران از سوی آمریکایی‌ها ترویج می‌شد که از آن به عنوان طرح همه چیز منهای ایران نام می‌برند. این دیدگاه سعی داشت در تمام ساز و کارهای جهانی و منطقه‌ای کشورمان را منزوی ساخته و اجازه کنش مطلوب و بازیگری را از ایران سلب کند. مذاکرات هسته‌ای در چنین فضایی و با تاکید بر رویکرد سیاست خارجی دولت نهم و دهم که مسبب ازتوازی هر چه بیشتر ایران بود، شکل گرفت و در پایان ضمن شکسته شدن دیوار سخت ایران هراسی، برای نخستین بار شاهد دعوت و حضور ایران در سازوکارهای مهم بین المللی از جمله مذاکرات ژنو برای حل و فصل بحران سوریه بودیم. همچنین با تردد آمد و شد مقامات بین المللی پس از برجام به ایران، مقدمات حضور و عضویت ایران در سازمان‌های مهم بین المللی از قبیل سازمان همکاری‌های شانگهای و آسه آن نیز فراهم شده است.

۲- از سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۰ شش قطعنامه تحریمی لازم الاجرا توسط شورای امنیت سازمان ملل علیه کشور صادر شد و پرونده هسته‌ای ایران که ماهیتی حقوقی داشت به پرونده‌ای امنیتی در سطح جهانی تبدیل شد. در این میان قطعنامه ۱۹۲۹ یکی از سخت‌ترین قطعنامه‌های تاریخ شورای امنیت بر علیه یک کشور بود که بسیاری از کارشناسان آن را در تاریخ سازمان ملل بی سابقه دانسته‌اند. در چنین فضایی با به نتیجه رسیدن توافق هسته‌ای، طی اقدامی کم نظیر هر شش قطعنامه با یک قطعنامه شورای امنیت (۲۲۳۱) ملغی شده و علاوه بر خراج شده ایران از فشار شش قطعنامه تحریمی لازم الاجرا، روندی جدید در حقوق بین الملل نیز رقم خورد. ۳- با رفتن پرونده هسته‌ای ایران به شورای حکام و پس از آن شورای امنیت سازمان ملل، ایران ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد قرار گرفت. ماده ۴۲ این فصل تاکید می‌کند که کشوری که ذیل فصل هفت قرار می‌گیرد، تهدیدی بر علیه صلح و امنیت بین المللی است و تمام کشورهای جهان موظف هستند با تمام ابزارهای ممکن با این تهدید جهانی مقابله کنند. در تاریخ سازمان ملل تمام کشورهایی که ذیل فصل هفتم قرار گرفته بودند با حمله نظامی مواجه شده‌اند (مانند: عراق، افغانستان، یوگوسلاوی سابق و ...). اما ایران تنها کشوری بود که نتوانست با دیپلماسی و بدون حمله نظامی از ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل خارج شود.

لذا با نگاهی به این سه دستاورد مهم باید گفت: عرصه روابط بین الملل امروزه عرصه مذاکره و تعامل بر پایه دیدگاه ثابستی است و ترجیح نهند آن را وازه معامله می‌سازد. معامله اکنون موهومی است که از اقتصاد به سیاست آمده و هنر دیپلماسی یک کشور در آن است که از این پارادایم غالب یک بازی برد-برد را بسازد. بازی که در این پارادایم غالب، توسط تیم هسته‌ای ایران در دولت یازدهم در محیطی نابرابر شکل گرفت و با درک واقع بینانه از شرایط جهانی به بازی برد-برد برجام برای ایران ختم شد.

خبر

پوتین

سرنگونی حکومت‌ها با حمله خارجی باید متوقف شود

همزمان با اقدام آمریکا در اعزام ناوگروه بزرگ با هواپیماهای جنگی به منطقه دریایی شبه جزیره کره و برنامه استقرار سامانه موشکی تاد علیه کره شمالی، ولادیمیر پوتین بدون نام بردن از واشنگتن، توقف اقدامات هراس افکنانه علیه پیونگ یانگ را خواستار شد.

به گزارش ایرنا، پوتین، با انتقاد از حمله‌های خارجی برای براندازی حکومت کشورهای مختلف و اشاره به تهدیدهای روزافزون علیه کره شمالی بجای ادامه گزینه مذاکره، بر لزوم توقف روند سرنگونی حکومت‌ها از خارج با تقویت قوانین بین المللی تاکید کرد. وی همچنین اضافه کرد: این اقدام‌ها (براندازی حکومت‌ها با حمله خارجی) مشابه تسلیحاتی ایجاد می‌کند. باید برای حل و فصل این اقدامات لازم را بکار بست و نخست ساختار تضمین‌های بین المللی را با کمک قوانین و منشور سازمان ملل تقویت کرد.

سی ان ان:

صدای استیضاح ترامپ به گوش می‌رسد

شبکه تلویزیونی سی ان ان در پی انتشار خبر اعمال نفوذ دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا در ماجرای تحقیق درباره ارتباط مایکل فلین با روسیه توسط اف.بی.آی، گزارش داد: اکنون آتش اخراج‌های ترامپ به سوی خود وی باز می‌گردد.

به گزارش ایرنا، این شبکه تلویزیونی روز گذشته با شماری از تحلیلگران و منتقدان درباره تازه‌ترین جنجال دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا به گفت و گو نشست و گزارش داد: در تمامی این گفت‌وگو‌ها صدای استیضاح شنیده می‌شود. در همین راستا، دیوید راد تحلیلگر امور بین الملل و رئیس بخش آنلاین نشریه آمریکایی نیویورک «دره‌ها» جنجال جدید ترامپ که در پی یادداشت جیمز کومی رئیس سابق اف.بی.آی که توسط رئیس‌جمهوری آمریکا اخراج شد، گفت: دونالد ترامپ یک رئیس‌جمهوری «خیره‌سر» است، چنانچه ۲۵ نماینده جمهوریخواه از وی بازگردد و درخواست استیضاح دهند روند آن آغاز شده و تنها نیازمند دو سوم رای سنای برای این مهم است.

